عصر آزادی
روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی
صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان
مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان
رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز
گروه ۴ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
امتیاز: ۴۷/۲
نشانی:
تهران - خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد - پلاک ۹۷ - طبقه سوم
صندوق پستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵
آدرس تبریز: خیابان والمان، جنب بن بست یاوری، ساختمان آرکا ۵۱ طبقه اول
تلفن: ۳۵۵۵۸۴۵۴-۰۴۱
مسئول آگهی ها: ۰۹۱۲۴۶۶۰۰۴۳
لینک تلگرام: https// telegram.me /asrazadi.ir
Email: asrazadi۹۸@gmail.com
www.asrazadionline.ir

راز «نیما یوشیج»!

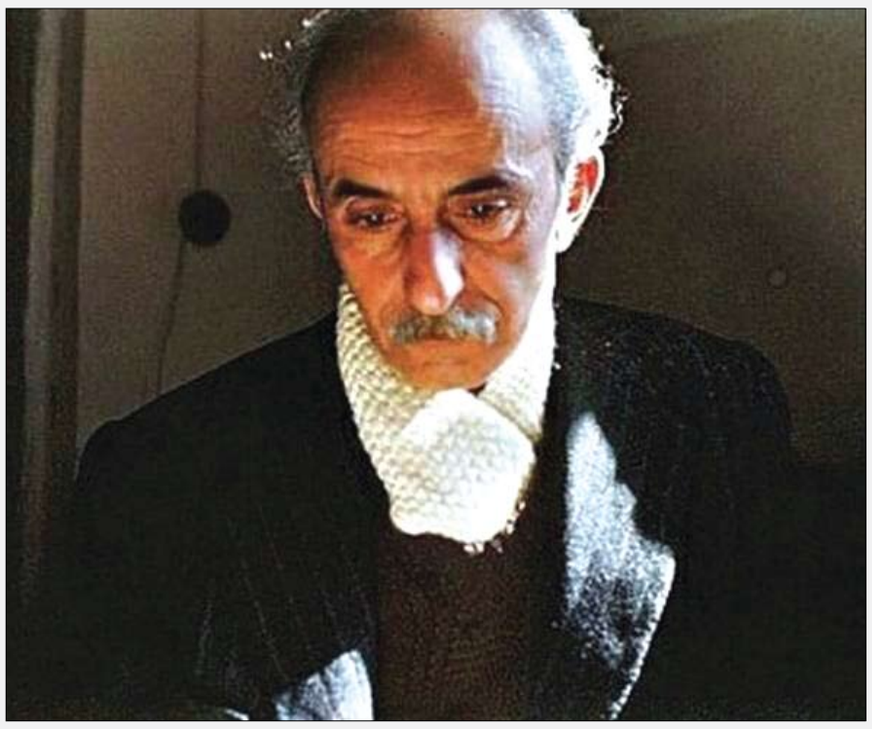

نام «نیما یوشیج» را برای خود انتخاب کرد، شیفته این اسم بود و حتی برایش شجره‌نامه ساخت؛ هرچند اسمش را اشتباه می‌گفتند و حتی مسخره می‌کردند. البته به گفته احمد کریمی حکاک، این نام به تدریج به شخصیت محوری در شعر نیما تبدیل می‌شود.

به گزارش ایسنا، علی نوری، که خود را از ابتدای جوانی نیما یوشیج نامید، ۲۱ آبان ۱۲۷۶ شمسی در روستای یوش در شمال ایران به دنیا آمد و ۱۳ دی‌ماه ۱۳۳۸ در تهران از دنیا رفت. او در عمر ۶۲ ساله‌اش شعرهایی سرود که در تغییر مسیر شعر ایران و بعدتر تمام جهان فارسی، مؤثر بود.

او همچنین رساله‌های پراکنده، نامه‌های تخیلی، مقدمه‌هایی پرکنایه و مطالب دیگری نیز درباره شعر نوشته است. این نوشته‌ها کم‌وبیش مسیر آینده نظام زیبایی‌شناسی هزارساله شعر فارسی را ترسیم کردند. افزون بر این، او روایت و نمایش‌های متعددی به نثر نوشت. هرچند خود مراقب بود که این نوشته‌ها در حاشیه قرار گیرند.

احمد کریمی حکاک در «زندگی‌نامه نیما یوشیج» در کتاب «آوای مرغ آمین: نیما یوشیج و آثارش» اثر خودش و کامران تلطف با ترجمه سهراب طاووسی نوشته است که کامل‌ترین شرح زندگی‌نامه‌ای نیما همان است که خود او در ساعت اولیه پنج تیرماه ۱۳۲۵ در نخستین کنگره نویسندگان ایران و به شکل یادداشتی به همراه سه سروده آخرش در آن جلسه خواند.

فکر می‌کرد نقاش شود اما شاعر شد

نیما می‌دانسته که آینده‌اش با یکی از هنرها گره خورده و فکر می‌کرده می‌خواهد نقاش شود، نه شاعر. او خواندن و نوشتن را از آخوند دِه‌شان یاد گرفته بعد با برادرش رضا (لادبن) برای ادامه تحصیل در دهه ۱۳۰۰ به تهران آمدند و در مدرسه سن‌لویی ثبت‌نام کردند. نیما درباره این دوره از زندگی‌اش نوشته است: «... اقوام نزدیک من، مرا همپای برادر از خود کوچک‌ترم، لادبن، به یک مدرسه کاتولیک واداشتند. آن‌وقت، این مدرسه در تهران به مدرسه سن‌لوئی شهرت داشت. دوره تحصیل من از این‌جا شروع می‌شود. سال‌های اول زندگی مدرسه من به زدوخورد با بچه‌ها گذشت. وضع رفتار و سکنات من، کناره‌گیری و حجبی که مخصوص بچه‌های تربیت‌شده در بیرون شهر است، موضوعی بود که در مدرسه مسخره برمی‌داشت. هنر من خوب پریدن و با رفیقم، حسین پژمان، فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی‌کردم. فقط نمرات نقاشی به داد من می‌رسید اما بعدها در مرسه مراقبت و تشویق یک معلم خوش‌رفتار، که نظام وفا شاعر بنام امروز باشد، مرا به خط شعر گفتن انداخت.»

راز یک نام

کریمی حکاک در بخش دیگری از این مقاله بلند خود درباره نام نیما یوشیج آورده است: «زمانی بین خرداد ۱۲۹۵ و اسفند ۱۳۰۰، علی نوری، نیما یوشیج شد اما تغییر رسمی نام تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی، که مجلس لایحه لغو القاب و اسامی افتخاری تصویب کرد و ایرانیان به داشتن هویتی به نام کوچک و نام خانوادگی وادار شدند. باید منتظر می‌ماند.

نیما پیش از آن شروع کرده بود و زیر همه نوشته‌ها و روی تمام مکاتبات، نام انتخابی خود را می‌نوشت و امضا می‌کرد. بعدها ادعا کرد، و تقریبا همه زندگی‌نامه‌نویسان او هم تکرار کردند، که این نام را به این دلیل برگزیده که نام یک فرمانده نظامی مقتدر محلی بوده که اما هیچ نشانی از این فرمانده در جایی ثبت نشده است. نام خانوادگی او، یوشیج، ترکیبی از نام روستایش، یوش، به علاوه پسوند نسبیت است. بنابراین، نیما یوشیج، نیمای یوشی یا نیما از یوش معنا می‌شود. او از این نام جدید سخت شادمان بود و از هر فرصتی استفاده می‌کرد که آن را به رخ دوستان و آشنایان تهرانی‌اش بکشد. کلمه نیما به شکل مکتوب نخستین بار روی جلد اولین اثر کتاب‌مانندش، قصیده رنگ‌پریده در اسفند ۱۳۰۰ دیده می‌شود.

نیماخان یوشیج

روز سوم خرداد ۱۳۰۴ تقریبا همزمان با صدور مجوز اداره ثبت احوال وزارت کشور، نیما به همراه چهار شاهد که قانون الزام کرده بود، برای رسمی کردن نام جدیدش به آنجا مراجعه می‌کند، به نظر می‌رسد کارمندان وزارت کشور هنوز به لغو کامل القاب خو نگرفته‌اند زیرا در مدرک شناسایی نیما، نام کامل او را نیماخان یوشیج ثبت کرده‌اند. «خان» کلمه‌ای است برای احترام یا دقیق‌تر، به معنی عضو خانواده اشراف زمین‌دار. چیزی که او را بسیار خشمگین می‌ساخت، این بود که مردم همچنان نام او را اشتباه می‌گفتند. حتی در مکاتبات رسمی نیز او را علی نیما یوشیج با علی‌خان نیما یوشیج می‌نامیدند. انگار که نام کوچک خود را حفظ و نامی دوکلمه‌ای را برای شهرت خود انتخاب کرده است. عصبانی‌کننده‌تر رفتار کسانی بود که چون به شخصیت یا شعر او علاقه نداشتند، نام او را به تمسخر می‌گرفتند. عصبانیتی که تا آخر عمر باید با آن کنار می‌آمد. برخی افراد بدنهاد حتی ادعا کردند که او را نمی‌توان شیعه خوب نامید زیرا نام خاص نیما را به امام اول شیعیان که مورد احترام همه ایرانیان بوده، ترجیح داده است.

علاقه نیما به نامش و این‌که تمام عمر درگیر این دلمشغولی بود، نشانه‌ای از درگیری عمیق نیما با خودش، با مفهوم فردیت و یا جایگاه فرد در شعر تغزلی لیریک است؛ این نام‌گذاری نه‌تنها تا حدی فراتر از سنت کهن شاعران در انتخاب اسم مستعار جهت ثبت اثر خویش است، بلکه نشانگر تعریفی عمیقا مدرن، از مفهوم خود، و طرز بیان آشکار حق انتخاب هویت جدید به وسیله یک شاعر قرن بیستم است. همه شواهد گواه بر دلبستگی عمیق نیما به زادگاهش است.

شجره‌نامه‌ای که نیما ساخت

او بارها در شعرش کلماتی مانند «وطن» را به معنای روستای محل تولد و نه کشور ایران، به کار برده است. احتمالا یکی از راه‌هایی که او می‌توانست ادعایش را درباره هویت محلی‌اش اثبات کند، این بود که اصل و نسبی بومی برای خود بسازد؛ چیزی شبیه به شجره‌نامه که نشان دهد او اصالتا به زادگاهش تعلق دارد. یادداشت بدون تاریخ به دستخط خود نیما داریم که احتمالا اواخر دهه ۱۳۰۰ یا اوایل ۱۳۱۰ نوشته است و در آن اصل و نسب خود را این‌گونه شرح می‌دهد: «نیماور اسم دو سه‌نفر از اسپهبدان غربی مازندران بوه است. مورخین نیماور را «نام‌آور» می‌نویسند که غلط است. نیماور مرکب است از نیما= قوس؛ برج نهم از بروج در زبان طبری و کمان+ ور یعنی کماندار برگزیده شناخته‌شده، مثل «کمانداری عالی». این کلمه از ترکیبات اوستایی است که به صورت مخفف، یعنی حذف ی، در زبان طبری مانده است. در زبان طبری، لغات اوستایی، و سانسکریت زیاد است. فخرالدوله نیماور دوم، پدر شراگیم در ۶۴۰ فوت کرده است. نمارستاق محل سکونت نیماور فخرالدوله بوده است. نیماور مثل شهریور= نگهدار شهر، نگهدار کمان است.»

تعجب‌آور است که هیچ‌کدام از زندگی‌نامه‌نویسان به طنز نهفته در عبارت «نگهدار کمان»، در یادداشت نیمه‌آکادمیک نیما توجه نکرده‌اند. ریشه‌یابی ساخت کلمه به این شکل در آن دوره بین روشنفکران ایرانی رسم بود. البته هیچ‌کدام مطابق قواعد ریشه‌شناسی یا زبانشناسی تاریخی نبود اما جنون آن، نیما را هم گرفته بود. مرز بین دانش زبان‌شناسی و ریشه‌یابی کلمات عامیانه همیشه مبهم بوده، هرچند این ابهام هیچ‌گاه به این وضوح دیده نشده است. در این مورد خاص، هیجان بچه‌گانه نیما در یافتن ریشه‌هایش در خاکی که آنقدر دوستش داشت، او را خیلی تندروتر از افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی نشان می‌دهد. یادداشت، در اصل برای هدفی فوری نوشته شده است: نوعی اظهار فضل دانشگاهی که کمبود آن، دستاویزی بود که بسیاری از مخالفانش به شعر او حمله‌ور شوند. احتمالا او چنین می‌پنداشت که دادن وجهی فاضلانه به یادداشت، سلاح بیشتری به سود نوآوری‌هایی که شعرش وعده آنها را می‌داد، انبار می‌کند.

بررسی دقیق‌تر یادداشت می‌تواند نیات دیگری را نیز آشکار کند و در نهایت به فهم بهتر کارکرد یک ذهن پیچیده کمک می‌کند. اول این‌که هیچ نامی از فرماندهی نظامی به نام نیماور یا نماور در اسناد «مازندران شرقی یا غربی» دیده نمی‌شود. به علاوه در اسناد، چه رسمی و چه غیررسمی، مازندران هرگز به مناطق شرقی و غربی تقسیم نشده است. دوم این‌که هرچند افراد زیادی با لقب اشرافی فخرالدوله در تاریخ ایران وجود داشته اما هیچ‌کدام در زمان یا حتی نزدیک به زمانی که نیما ذکر می‌کند، نبوده است. به همین روال، «قوس» و «کمان» را می‌بایست محصول تخیل پرشور نیما دانست، زیرا در هیچ فرهنگ لغتی در زبان فارسی چنین معناهایی ندارند.

نیما همواره خود را کماندار می‌پنداشته

در مقدمه «روجا»، کتاب اشعارش به لهجه محلی طبری، نیما خاطره‌ای را بازگو می‌کند، که از کودکی، خود را کماندار می‌پنداشته است. او می‌نویسد وقتی اولین شعر را، که مرثیه‌ای در مرگ گاو محبوبش، روجا بود، برای پدرش خوانده، پدرش فقط به او گفت: «آفرین! اما باید کمانداری هم یاد بگیری.» سال‌ها بعد، نیما در نطقش در کنگره نویسندگان، از استعاره کمانداری برای اشاره به هدف شعر نوپایش استفاده می‌کند: «شیوه کار، در هرکدام از این قطعات تیر زهرآگینی، مخصوصا در آن زمان، به طرف سبک طرفداران قدیم بود.» آیا تبدیل شدنش به «کمانداری عالی» که پدرش آرزو کرده بود تیر زهرآگینی نبود که او در تمام عمرش به سمت «دشمنان» خود پرتاب کرد؟ دغدغه‌ای که نیما در تمام عمر درباره هویتی که با دقت و آگاهی کامل برای خود ساخته بود، پیامدهای سودمندی برای هنرش داشت.

هویتی به نام نیما

ما مدام با گزاره‌هایی روبه‌رو می‌شویم که او به دگرگونی‌ای در جوانی‌اش اشاره می کند که او را فردی متفاوت کرده است. این فرد، که در آن واحد هم نیماست و هم نیما نیست، به تدریج به شخصیت محوری در شعرش تبدیل می‌شود. در «مانلی»، او طنازانه نام کوچک خود، علی، را با نام برگزیده‌اش، نیما، درهم آمیخته و به رسم زمانه‌اش که خانواده‌هایی با سابقه مرگ نوزاد، برای بچه‌های خود نام‌هایی مانند مانعلی یا بمانعلی می‌نهادند، اشاره دارد. در مرغ آمین، او حروف فارسی نام خود، نیما را وارونه کرده و نام پرنده‌ای، آمین، را خلق کرده که «مردمان را» به سوی ظفرمندی هدایت می‌کند. در شعر دیگری به نام «نیما»، او این نام را برای پروانه‌ای ظریف اما بسیار مهجور منتسب می‌کند که مصمم است هیچ‌گاه راهی را که برای پرواز بر فراز آسمان انتخاب کرده، ترک نگوید. چنین کاربردی به تعریف نیما از خودش، بعد تازه‌ای می‌دهد که اگر بر این باور نباشیم که او شیفته نامی است که برای خود «ساخته»، آوردنش در شعر قابل توجیه نخواهد بود.

کتاب «آوای مرغ آمین: نیما یوشیج و آثارش» نوشته احمد کریمی حکاک و کامران تلطف با ترجمه سهراب طاووسی در ۳۳۰ نسخه و با قیمت ۲۳۰ هزار تومان در انتشارات مروارید راهی بازار کتاب شده است.

توضیح شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره «شب یلدا» و «چهارشنبه‌سوری»؛ حذفشان نکردیم!

رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در واکنش به موضوعات مطرح شده درباره حذف «شب یلدا» و «چهارشنبه سوری» از تقویم کشور توضیحاتی را ارائه و تاکید کرد که «شب یلدا» از تقویم حذف نشده و چهارشنبه آخرسال هم برای اولین بار است که به تقویم اضافه می‌شود.

عباس میرزاحسینی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تعیین مناسبت‌های جدید برای درج در متن و ضمیمه تقویم رسمی کشور در ۱۴۰۳ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی اظهار کرد: هدف از نامگذاری روزها و مناسبت‌های خاص، تقویت مولفه‌های هویت ملی ایرانیان و بزرگداشت شخصیت‌ها، ارزش‌ها و تحکیم پیوندهای دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی در جامعه است. وی افزود: پیشنهاد نامگذاری روزها و مناسبت‌ها از سوی اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) به شورای فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می‌شود، کارگروه نامگذاری روزها و مناسبت‌های خاص پیشنهادها را بررسی و پس از بررسی و تصویب در شورای فرهنگ عمومی برای تأیید نهایی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رساند و به عنوان روز و مناسبت خاص، حسب مورد در متن یا ضمیمه تقویم درج می‌شود. رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد: بنا به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی؛ در جلسه ۸۸۹ مورخ هجدهم مهر ۱۴۰۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی ۸ روز جدید به مناسبت‌های تقویم اضافه یا اصلاح شدند. میرزاحسینی با اشاره به مناسبت «شب یلدا» در تقویم ادامه داد: سی‌ام آذرماه که به عنوان شب یلدا در تقویم است تغییری نداشته است. متناسب با فرهنگ و سنت‌های ایرانی اسلامی که در شب یلدا مرسوم بوده، «روز ترویج میهمانی و پیوند با خویشان» نیز به نام این روز اضافه شده که نه تنها تفاوت ماهوی با آداب و رسوم این شب ندارد بلکه بر هویت ملی و فرهنگ تمدن ایرانی اسلامی تأکید دارد.

وی همچنین درباره مناسبت «چهارشنبه‌سوری» نیز به ایسنا گفت: سه‌شنبه آخر سال نیز برای نخستین بار به تقویم رسمی کشور اضافه شد چرا که این روز همواره به صورت غیررسمی و بر مبنای آداب و رسوم ایرانی مورد توجه بود، اما با نظر کارشناسان و صاحب‌نظران کارگروه‌های تخصصی در شورای فرهنگ عمومی برای توجه به هویت ایرانی برای نخستین بار این روز با نام «روز تکریم همسایگان» به تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران اضافه شده است که این نامگذاری مقوم فرهنگ‌های ایرانی اسلامی است.

رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کرد: همچنین یک اردیبهشت به عنوان روز نثر فارسی، ۱۰ تیر به عنوان روز دیپلماسی فرهنگی و تعامل با جهان، ۱۰ مهر روز نخبگان، ۳۰ آبان روز قهرمان ملی، ۱۵ اسفند روز آموزش همگانی حفظ محیط زیست و دوم محرم به عنوان روز امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته شده است.

«سینما متروپل» مجوز اکران می‌گیرد؟

تهیه‌کننده فیلم «سینما متروپل» اعلام کرد که با معرفی یک نماینده از شورای پروانه نمایش اصلاحیه‌های وارد شده به فیلم بررسی می‌شوند.

به گزارش ایسنا،«سینما متروپل» آخرین ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر است که قصه آن به مقطعی از روزهای جنگ تحمیلی برمی‌گردد و گروهی که تلاش می‌کنند یک سینمای قدیمی را دوباره فعال کنند.

این فیلم در جشنواره فجر سال گذشته رونمایی و در ۱۳ رشته نامزد دریافت سیمرغ شد و جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری را هم گرفت اما با وجود آنکه در جشنواره، پروانه نمایش گرفته بود برای اکران عمومی دچار موانعی شد و پس از مذاکراتی اصلاحیه‌ها به کمتر از ۱۰ مورد کاهش پیدا کرده است. در پی گزارشی که مدتی قبل درباره اکران نشدن بهترین فیلم جشنواره سال قبل در این خبرگزاری منتشر شد، حامد حسینی - تهیه‌کننده فیلم- در گفت‌وگویی با ایسنا درباره جدیدترین وضعیت این فیلم توضیح داد:«سینما متروپل» آماده اکران است ولی اصلاحیه‌هایی را به ما اعلام کردند که باید بر سر آن‌ها صحبت کنیم چرا که برخی از آن‌ها می‌تواند بر فیلم تاثیر گذاشته و به آن آسیب بزند. او افزود: با توجه به مخالفت ما با اعمال این اصلاحیه‌ها، تاکید کردیم که باید درباره آن‌ها گفت‌وگو شود و پس از جلسه‌هایی که با ریاست سازمان سینمایی (محمد خزاعی) و مدیر کل عرضه و نظارت بر نمایش سازمان داشتیم، تعامل خوبی صورت گرفت و یک نفر به نمایندگی از شورای پروانه نمایش تعیین شد تا ما دفاع و توضیحات خود را از فیلم و موارد اصلاحی ارائه کنیم. وی با اشاره به اینکه این جلسه هنوز تشکیل نشده است، گفت: امیدواریم زودتر به یک نقطه نظر مشترک با شورای پروانه نمایش برسیم چون هیچ فیلمسازی دوست ندارد فیلمش بدون نمایش بماند و ما تلاش می‌کنیم فیلم را با کیفیت به اکران برسانیم.

مجتبی پیرزاده، نوشین مسعودیان، هومن برق‌نورد، پریوش نظریه، حسین باشه آهنگر، رضا کیانیان و مهتاب نصیرپور از بازیگران این فیلم هستند.

توضیح درباره سطل زباله خبرساز!

تصویر یک خمره نسبت داده‌شده به دوره ماد در موزه باستان‌شناسی رشت، درحالی منتشر شده که داخل این خمره کیسه پلاستیکی مشکی قرار گرفته و مقداری هم زباله در آن مشاهده می‌شود. با این وجود مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان گفت: این خمره مربوط به دوره ماد نبوده و سطل زباله هم نیست.

به گزارش ایسنا، پس از انتشار تصویر این خمره از سوی برخی رسانه‌ها، ولی جهانی _ مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان _ در توضیحاتی که از سوی روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منتشر شده است، گفت: خمره موزه شهر رشت نه به دوره ماد تعلق دارد و نه به عنوان سطل زباله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

او در ادامه این توضیح گفت: قدمت خمره موزه شهر رشت به «دوران معاصر» بازمی‌گردد، که محلی برای تأمین و ذخیره آذوقه بوده است و کیسهٔ پلاستیکی روی آن، برای جلوگیری از نفوذ گرد و غبار و ریزش خس و خاشاک با توجه به مرمت‌های در دست اقدام موزه به درون آن بوده است. انتشار این خبر توسط یک رسانه انجام شد، که از حساسیت خبری قدردانی می‌کنم.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان همچنین درباره چند جمجمه از هزاره اول پیش از میلاد که ناسالم و شکسته بدون حفاظ در موزه باستان‌شناسی رشت نگهداری می‌شود، توضیح داد: بازسازی یکی از انواع گورهای باستانی استان گیلان به دلیل تثبیت اسکلت و اشیاء بدلی داخل آن با مواد نگهدارنده از نظر علمی و ایمنی قابل دفاع بوده و از ابتدا طراحی آن بر اساس الگوی فعلی انجام شده است.

جهانی همچنین گفت: در دو سال اخیر بیش از ۱۰ میلیارد تومان برای مرمت موزه، کف‌ساری، محوطه‌سازی، ثبت بیش از ۲۷ هزار شیء در سامانه جام و... هزینه شده است.

آغاز اکران «جوجه تیغی» از ۲۴ آبان ماه

این زن می‌خواهد رییس جمهور ایران شود!

با اعلام شورای صنفی نمایش، اکران فیلم «جوجه تیغی» به کارگردانی مستانه مهاجر از چهارشنبه ۲۴ آبان در سینماها آغاز می‌شود، فیلمی که پانته آپناهی‌ها در نقش زنی بازی کرده است که قصد دارد اولین زن رئیس جمهور ایران باشد.

به گزارش ایسنا، این فیلم ماجرایی طنز از زندگی ناخواسته یک جوان متعصب را روایت می‌کند که پیشنهادی عجیب، گذشته و آینده او را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر ماجراهای زنی که می‌خواهد اولین رئیس جمهور زن ایران شود.

بازیگران: حامد کمیلی، پانته‌آ پناهی‌ها، هادی کاظمی، آناهیتا درگاهی، نازنین بیاتی و پژمان بازغی

با هنرمندی: هومن برق‌نورد، مهتاب ثروتی، نگار فروزنده، محراب قاسم خانی، امید روحانی، آرزو نبوت، نوشین تبریزی، هادی عطایی، سارا والیانی، آیدا ماهیانی و صحرا اسدالهی بازیگران «جوجه تیغی» هستند.

مستانه مهاجر طی سالهای فعالیتش تدوین ده‌ها فیلم‌سینمایی از نام‌های سرشناس سینمای ایران را برعهده داشته و همچنین به عنوان تهیه‌کننده، آثاری چون «اسرافیل» و «جاده خاکی» را تولید کرده. «جوجه تیغی» اولین فیلم مستانه مهاجر در مقام کارگردان است که توسط فیلمیران در سینماهای کشور اکران می‌شود.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه ساری

فراخوان مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

نوبت دوم

مناقصه گزار: شرکت ملي پخش فرآورده هاي نفتي ايران/ منطقه‌ساري
موضوع مناقصه : بهسازی و بازسازی باکس ها و لوله ها و کلندهای ضد انفجار ۲۲ دهنه بارگیری انبار نفت‌ساری با شماره مجوز ۲۰۰۲۰۹۱۴۵۳۰۰۰۰۱۶ در سامانه ستاد
تاریخ، مهلت و نشانی محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی : از کلیه شرکت کنندگان واجد شرایط دعوت بعمل می آید از انتشار نوبت دوم این آگهی روزنامه (۱۴۰۲/۰۸/۲۲) نسبت به دریافت اسناد این مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات، از طریق درگاه سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. (ضمناً مناقصه گران می بایست علاوه بر ثبت پاکات در سامانه ستاد، اصل پاکت تضمین (الف) را بصورت لاک و مهر شده به واحد حقوقی و پیمانهای شرکت نفت به آدرس ذیل تا ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ تحویل نمایند). ضمناً آگهی مناقصه از سایت http://iets.mporg.ir نیز قابل برداشت می باشد.
آدرس مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر و ارائه پاکت الف: ساری، کیلومتر یك جاده ساری نکا، جنب انبار نفت ساری، امور حقوقی و پیمانها تلفن : ۵-۳۳۲۸۰۰۳۰-۰۱۱ داخلی ۲۲۳۲ و ۲۳۴۱
مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی : تا ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۸
مهلت ارسال پاکات مناقصه (الف، ب، ج) و ارزیابی کیفی : تا ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲
تاریخ بازگشایی پاکات ارزیابی : ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۳ مي باشد.
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه (الف، ب، ج) : ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ در سالن جلسات شرکت نفت منطقه ساري مي باشد. حضور مناقصه گران در جلسه بازگشایی پاکات با ارائه معرفی نامه دارای مهر و امضاء مجاز تعهدآور بلامانع می باشد.
جلسه توجیهی : جلسه توضیح و تشریح اسناد مناقصه ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ در محل سالن جلسات شرکت نفت منطقه ساري برگزار می گردد.
تاریخ بازدید : شرکت کنندگان در صورت تمایل به بازدید، راس ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ به واحد مهندسی انبار نفت ساری مراجعه نمایند.
** بدیهی است بازگشایی پاکات با حداقل ۳ شرکت کننده میسر خواهد بود.
برآورد معامله : ۳۵,۷۸۰,۲۷۷,۱۶۴ ریال

** شایان ذکر است در این مناقصه جهت تعیین مناسب ترین قیمت و برنده مناقصه، از دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره نامه ۷۹۶ـ۲۰/۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزیر محترم نفت استفاده می گردد.
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین قابل قبول یکی از تضامین معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۲ و به مبلغ ۱,۷۸۹,۰۱۳,۸۵۸ ریال می باشد. (در صورت واریز سپرده نقدی، حساب سپرده بانکی مجاز شرکت، حساب دوطرفه مرکزی به شماره ۲۱۷۲۵۸۸۰۵۰۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه مرکزی ساری (شعبه میدان شهرداری ساری) می باشد.)
شرایط متقاضي :
۱ـ دارا بودن حداقل رتبه ۵ نیرو معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲ـ ارائه تصویر گواهی تائید صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۳ـ احراز امتیاز قابل قبول حداقل ۶۰ از ۱۰۰ در ارزیابی کیفی براساس معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران مندرج در اسناد مناقصه
۴ـ احراز امتیاز قابل قبول حداقل ۶۰ از ۱۰۰ در ارزیابی HSE براساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی مناقصه گران مندرج در اسناد مناقصه (لازم به ذکر است در صورت عدم کسب حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی HSE، ارزیابی کیفی شرکت کننده مربوطه انجام نمی پذیرد و آن شرکت از ادامه فرآیند برگزاری مناقصه خارج می گردد.)
۵ـ ارائه تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت، تصویر آگهی ثبت شرکت بهمراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، تصویر اظهارنامه ثبت شرکت، تصویر کد اقتصادی، تصویر شناسه ملی، تصویر گواهی ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده
۶ـ صرفاً اسناد پاکت های (ب) و (ج) و ارزیابی دارای امضاء الکترونیکی مورد پذیرش است. در جلسه بازگشایی پاکتهای (ب) و (ج) و ارزیابی، اسناد فیزیکی (کاغذی) و اسناد فاقد امضاء الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست.
۷ـ در صورت استعلام مراجع امنیتی مبنی بر عدم صلاحیت هر یک از شرکت کنندگان، در هر مرحله از مناقصه، از ادامه حضورآن مناقصه گر ممانعت بعمل می آید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

شناسه آگهی : ۱۶۰۰۲۶۶ روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه ساری